

بررسی اثر بخشی آموزش تحلیل رفتار متقابل بر هوش معنوی زوجین شهر اصفهان

فهیمه اردشیری لردجانی^{۱*}، طیبه شریفی^۲، محمد قاسمی پیربلوطی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران.
^۲ دکتری تخصصی، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران.
 نویسنده مسئول: فهیمه اردشیری لردجانی؛ گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران. تلفن: ۰۹۱۳۳۵۷۸۳۱۰، ایمیل: ardeshiri2020@gmail.com

DOI: 10.20286/jech-02035

چکیده

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۹/۳۰

واژگان کلیدی:

تحلیل رفتار متقابل

هوش معنوی

زوجین

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

سابقه و هدف: هوش معنوی که به موجب آن فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی بینشی عمیق می‌یابد و از سختی و چالش‌های زندگی نمی‌هراسد، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش گروهی به روش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش هوش معنوی زوجین شهر اصفهان بود.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود که در بین زوجین ارجاع داده شده به شوراهای حل اختلاف شهر اصفهان انجام گردید. نمونه آماری این پژوهش شامل ۳۲ زوج بود که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شده و به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش، مداخلات آموزشی مربوط به تحلیل رفتار متقابل را در طی ۱۰ جلسه آموزشی دریافت نمودند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی کینگ بود. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله تحلیل کواریانس و توسط بسته نرم افزاری SPSS20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که آموزش تحلیل روابط متقابل منجر به افزایش معنی‌دار مولفه‌های تفکر وجودی، انتقادی و تولید معنای شخصی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون شد ($P < 0/001$).

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های این مطالعه، مشاوره گروهی به شیوه تحلیل ارتباط متقابل، روش مناسبی برای افزایش هوش معنوی زوجین و در نهایت رضایتمندی آنان می‌باشد و می‌تواند با آموزش آن به ارتقاء کیفیت معنویت زوجین پرداخت.

مقدمه

گیجگاهی است که دقیقاً پشت ناحیه گیجگاهی قرار دارد و عصب شناسان این بخش را «منطقه خدا» می‌نامند، گفتگوی دینی از خود گذشتگی، فداکاری، انسان دوستی و مانند اینها در آن محل پدیدار می‌شود [۲، ۳]. Gardner (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلفی مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش مفهوم ترکیبی معنویت و هوش را به چالش کشید [۴]. Vaughan نیز معتقد است که هوش معنوی یکی از انواع هوش‌های چندگانه است که به طور مستقل می‌تواند رشد و توسعه یابد [۵]. هوش معنوی نیازمند شیوه‌های مختلف شناخت وحدت زندگی درونی ذهن و روح با زندگی در دنیای هستی است. هوش معنوی می‌تواند به وسیله تلاش، جستجو و تمرین پرورش یابد. King هوش معنوی را مجموعه‌ای از قابلیت‌های سازش روانی مبتنی بر جنبه‌های غیر مادی و متعالی واقعیت می‌داند [۶]. هنگامی که این قابلیت‌ها به کار بسته شوند، توانایی منحصر به فرد مسئله‌گشایی، تفکر انتزاعی و کنار

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب، به ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود. یکی از این ضرورت‌ها در عرصه انسان شناسی، توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان به ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی (Biopsy- chosociospiritual) تعریف می‌کند. ضرورت طرح دیگر این موضوع ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه است [۱]. پژوهش درباره معنویت امروزه در رشته‌های متنوعی از قبیل پزشکی، روان شناسی، انسان شناسی، عصب شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است. مطالعات جدید عصب شناسان نشان می‌دهد، که برخی کنش‌های مغزی با تجربیات معنوی همراه است، به گونه‌ای که معنویت روی برخی از قسمت‌های مغز، اثر می‌گذارد. یکی از این قسمت‌های مغز بخش لب

منظور رشد و تغییر شخصی به کار می‌رود. این روش در زمینه‌هایی که نیاز به درک افراد، روابط بین فردی و ارتباطات باشد بیشترین کارایی را دارد [۱۰].

در این نظریه مفاهیمی مانند الگوی حالت نفسانی (والد، بالغ، کودک)، روابط متقابل، نوازش، پیش نویس زندگی، بازی‌های روانی، استقلال و خود پیروی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هدف نهایی آن شناخت و تغییر رفتار است [۱۱]. شیوه تحلیل رفتار متقابل روشی عقلانی است که فرد را در تجزیه و تحلیل و درک رفتار خویش و همین طور در کسب آگاهی و قبول مسئولیت، با توجه به آنچه که در زمان حال اتفاق می‌افتد یاری می‌دهد [۱۲]. تحلیل مبتنی بر این روش در چهار زمینه اتفاق می‌افتد: تحلیل سازه‌ای یا تحلیل شخصیت فرد، تحلیل رفتار متقابل یا تحلیل رابطه فرد با دیگری و روابط بین افراد، تحلیل بازی‌ها یا تحلیل روابط پنهانی که برای فرد دارای بازده و نتیجه است و تحلیل نمایشنامه و پیش نویس زندگی یا تحلیل داستان خاص زندگی فرد که او بازیگر اصلی آن است. در واقع وظیفه اصلی درمانگر بهره‌مند از این روش، آن است که مهارت‌هایی را برای علاقه‌مندان ایجاد کند که آنها را به سوی شرایطی هدایت نماید تا بتوانند روابط خود را تحلیل و نتایج آن را مشاهده نمایند [۱۳].

Jarreis و همکارانش در نتایج پژوهش خود گزارش کرده‌اند که آموزش مهارت‌های ارتباطی به فرد می‌آموزد که چگونه آغازگر رابطه باشد و آن را ادامه دهد و فعالانه به سخنان طرف رابطه گوش دهد، افکار و احساساتش را به راحتی ابراز کند و احساسات طرف مقابل را درک کند [۱۴]. در انتها Murakami و همکاران تاثیر بلند مدت آموزش تحلیل رفتار متقابل را در زوج‌های متاهل مورد بررسی قرار داده‌اند، نتایج پژوهش آنها بیانگر آن است که آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش شادی و شادکامی و در نتیجه افزایش رضایت زناشویی شده است [۱۵].

از آنجا که هوش معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه داشته و ظرفیت فهم عمیق سوالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می‌شود، بنابراین آموزش و افزایش آن می‌تواند منجر به آگاهی درونی و معنوی و رضایت درونی فرد شده و در نظر گرفتن این شرایط، ضرورت انجام پژوهش حاضر را تبیین می‌کند. از طرفی باید توجه نمود که در مطالعات قبلی، به تاثیر تحلیل رفتار

آمدن را تسهیل می‌کنند. بر همین اساس Zohar و Marshall معتقدند هوش معنوی موجب می‌شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی، بینشی عمیق یافته و از سختی‌های زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله نموده و راه حل‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد [۳]. Mc Sherry و همکاران تاکید می‌کنند که هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود؛ به گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب بندی می‌کند [۷]. در واقع هوش معنوی ظرفیتی برای الهام است و با شهود و نگرش کل نگر به جهان هستی، در جستجوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم می‌باشد. Elkins و Cavendish بر این باورند که حوزه هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت و عطفوت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد [۸]. McGuire نیز در این باره معتقد است هوش معنوی، توانایی عمل همراه با آگاهی و ترحم را دارد؛ در عین حال که سلامت و آرامش درونی و بیرونی حفظ می‌کند [۹]. در واقع هوش معنوی یک هوش ذاتی انسانی است و همانند هر هوش دیگری می‌تواند رشد کند، به این معنا که می‌توان آن را توصیف و اندازه گیری کرد. موسسه آگاهی سنجی perdio (۲۰۰۵)، چگونگی وجود هوش معنوی، هیجانی، بهره‌هوشی و هوش فیزیکی را در یک هرم ترسیم نموده است، به طوری که هوش معنوی را بالاترین و با ارزش‌ترین هوش در انسان و در راس هرم قرار داده است. این موسسه شش مهارت دل‌سوزی برای دیگران، احساس ملکوتی، خرد ورزی، توانایی گوش دادن، توکل بر خدا، تعهد و ایمان را برای هوش معنوی در نظر گرفته است [۶].

همان گونه که اشاره گردید هوش معنوی را همانند هر هوشی می‌توان رشد داد. از روش‌های ارائه شده برای مولفه‌های مختلف هوشی و روان شناختی رویکرد تحلیل رفتار متقابل می‌باشد. نظریه تحلیل رفتار متقابل، نظریه‌ای منظم و هماهنگ درباره شخصیت و ارتباطات پویای اجتماعی ارائه داده که از تجربه بالینی و شکلی از درمان عقلانی و عمل‌گرا استنتاج شده است. دیدگاه تحلیل ارتباط محاوره‌ای یک نظام روان‌درمانی است که در درمان انواع اختلالات روانی، از مشکلات روزانه گرفته تا روان‌پریشی‌های عمیق در مورد شخصیت به

ابزار مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه هوش معنوی کینگ ((Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI)) بود. در راستای سنجش هوش معنوی پرسشنامه‌ها و ابزارهای بسیاری حتی در ایران ساخته شده است. در این میان پرسشنامه هوش معنوی King از اقبال بیشتری برخوردار شده و بسیاری از پژوهش‌ها با استفاده از این ابزار انجام می‌گیرد. پرسشنامه هوش معنوی کینگ (SISRI) در سال ۲۰۰۸ توسط King طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال است و چهار زیر مقیاس تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. نمرات بالاتر فرد در این پرسشنامه، نشان‌گر بهره‌مندی وی از میزان هوش معنوی بالاتر است. نقطه برش این پرسشنامه نمره ۴۸ است. سوالات این پرسشنامه در یک طیف لیکرت از صفر تا ۴ (از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم) نمره گذاری می‌شود. نمره گذاری سوالات پرسشنامه هوش معنوی به شکل مستقیم است و تنها سؤال ۶ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. در نهایت فرد نمره‌ای در بین صفر تا ۹۶ به دست می‌آورد (۶). روایی و پایایی این پرسشنامه توسط حسین چاری و ذاکری مطلوب گزارش شده است [۱۶].

متقابل بر هوش معنوی زوجین پرداخته نشده است. لذا مساله پژوهش حاضر این است که آیا آموزش تحلیل رفتار متقابل منجر به افزایش هوش معنوی زوجین می‌شود؟

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی، نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش را زوجین ارجاع داده شده به شوراهای حل اختلاف شهر اصفهان تشکیل می‌دادند. نمونه آماری این تحقیق متشکل از ۳۲ زوج بود که با مراجعه به شوراهای حل اختلاف شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شده بودند. این ۳۲ زوج در دو گروه آزمایش و کنترل به تصادف گمارده شدند (۱۶ زوج در هر گروه آزمایش و ۱۶ زوج در گروه کنترل). سپس گروه آزمایش مداخلات مربوط به روش تحلیل روابط متقابل را در طی ۱۲ جلسه یک ساعته به صورت دو جلسه در هفته در مدت ۲ ماه به صورت گروهی طبق جدول ۱ دریافت نمودند. جهت رعایت اخلاق در پژوهش به گروه کنترل اطمینان داده شد که پس از اتمام فرایند پژوهش، آنان نیز این مداخلات را دریافت خواهند نمود.

جدول ۱: خلاصه جلسات آموزش تحلیل رفتار متقابل	
جلسات	شرح جلسه
جلسه اول	فرآیند معارفه و آشنایی اعضای گروه، آشنایی با روش خود واقعی، سبک زندگی و خود آرمانی، ضرورت و اهمیت خودشناسی در تصمیم‌گیری شغلی و تحصیلی، کسب مهارت‌ها و فراگیری موضوعات روانشناختی و سایر تصمیمات مهم زندگی
جلسه دوم	صحبت در مورد اولین بعد شخصیتی در تحلیل رفتار متقابل (من کودک)، اریک برن معتقد بود انسان‌ها از هر جنس، نژاد و قوم، فرهنگ و ملیت که باشند وجودشان شامل سه بعد می‌باشد سه بخشی که باهم رابطه دارند دو بخش از این ابعاد در اثر ارتباط با عوامل بیرونی و تربیت شکل می‌گیرد و محتوای آنها کاملاً انفعالی دریافت می‌شود و فرد برای شکل‌دهی آنها اراده و اختیاری از خود ندارند و نسبت به محتوای آن آگاهی ندارند و این دو بخش ناهشیار ما را شکل می‌دهند. جنس این‌ها ناآگاهی است و ما نسبت به آنها شعور و وقوف نداریم. با نشان دادن علائم، نشانه‌ها و راهنمای‌های زیادی وجود دارد که به ما کمک می‌کند تا این بخش از وجود خود را بشناسند و این سرنخ‌ها به شکل کلمات و جملات هستند یا به صورت غیر کلامی و افراد یاد می‌گیرند. هر قدر از ناهشیار به سمت هوشیار برویم، نقش نمادهای آگاهانه مانند کلام بیشتر و پررنگ تر می‌شود.
جلسه سوم	صحبت در مورد (من والد) حمایت‌کننده، کنترل‌کننده، سرزنش‌کننده، تغذیه‌کننده و رویدادهای ضبط شده در مغز
جلسه چهارم	صحبت در مورد «بالغ شخصیت و رشد بالغ». آشنایی با فرآیند سازو کار این رشد، عوامل موثر، زیر ساخت‌ها و نحوه شکل‌دهی و مدیریت آنها و نیز مبانی تصمیم‌گیری یا نظام ارزش‌ها، آشنایی با عشق بالغانه
جلسه پنجم	صحبت در مورد بیماری‌های شخصیت‌پر، تسلط، آلودگی و ارائه راهکارهای برون رفت
جلسه ششم	بررسی چهار وضعیت زندگی
جلسه هفتم	بررسی انواع روابط موزی، متقاطع، پنهان
جلسه هشتم	بررسی رابطه سالم و چگونگی رسیدن به آن، بررسی مفهوم «نوازش»
جلسه نهم	بررسی بازدارنده‌ها در رویکرد تحلیل رفتار متقابل
جلسه دهم	بررسی سوق دهنده‌ها در رویکرد تحلیل رفتار متقابل
جلسه یازدهم	بررسی مفهوم «ردیابی» و چگونگی انجام آن.
جلسه دوازدهم	بررسی شیوه‌های ابزار احساسات و انجام پس‌آزمون

شرط نرمال بودن توزیع نمرات جهت استفاده از آزمون های پارامتریک برقرار است ($P > 0/05$).

با معنی‌داری آزمون MANCOVA این نتیجه حاصل گردید که حداقل باید یکی از متغیرهای وابسته (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری) در اثر مداخله متغیر مستقل (آموزش تحلیل رفتار متقابل) معنی‌دار بوده باشد ($P < 0/01$). لذا به بررسی نتایج آزمون تک متغیره پرداخته شد تا مشخص گردد کدامیک از متغیرهای وابسته (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری) معنی‌دار بوده است (جدول ۲).

با توجه به نتایج جدول ۳، آموزش متغیر مستقل (تحلیل روابط متقابل) توانست منجر به ایجاد تفاوت معنی‌دار میانگین نمرات متغیرهای تفکر وجودی انتقادی و تولید معنای شخصی در مرحله پس آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ گردد. به عبارتی با کنترل متغیرهای مداخله گر، میانگین نمرات متغیرهای تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هوشیاری با آموزش تحلیل روابط متقابل افزایش یافت. مقدار تاثیر آموزش تحلیل روابط متقابل بر متغیرهای تفکر وجودی انتقادی و تولید معنای شخصی به ترتیب ۰/۱۹ و ۰/۲۰ بود. این بدان معناست که ۱۹ و ۲۰ درصد تغییرات متغیرهای تفکر وجودی انتقادی و تولید معنای شخصی توسط عضویت گروهی تبیین می‌شود.

معیار ورود به پژوهش شامل طول ازدواج حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ سال، داشتن سطح تحصیلات دیپلم تا لیسانس، داشتن شرایط سنی (حداقل ۲۵ و حداکثر ۴۰ سال) و تمایل برای حضور در پژوهش بود. معیارهای خروج نیز شامل غیبت در جلسات آموزشی و بروز بیماری یا حادثه پیش بینی نشده بود. جهت رعایت اخلاق در پژوهش به افراد نمونه پژوهش اطمینان داده شد که هویت آنها به صورت محرمانه باقی خواهد ماند و هم چنین به گروه کنترل نیز اطمینان داده شد که پس از اتمام فرایند پژوهش، مداخله آموزشی تحلیل رفتار متقابل را دریافت خواهند کرد. هم چنین شرح جلسات آموزشی پژوهش مورد تایید کمیته اخلاق دانشگاه قرار گرفت.

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل کواریانس چند و تک متغیره (جهت کنترل نمرات پیش آزمون) استفاده شد.

یافته‌ها

نمونه‌های گروه پژوهش قبل از مداخله در خصوصیات جمعیت‌شناختی نظیر سطح تحصیلات (دیپلم تا لیسانس)، طول سال ازدواج (۵ تا ۱۰ سال) و دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال هم‌تاسازی شدند. همچنین نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک نشان داد که

مولفه‌ها	گروه آزمایش		گروه کنترل	
	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
هوش معنوی	۱۲/۳۸ ± ۱/۹۲	۱۵/۵۱ ± ۱/۷۶	۱۲/۴۴ ± ۲/۶۹	۱۲/۳۷ ± ۲/۳۸
تفکر وجودی انتقادی	۳/۱۶ ± ۱/۱۳	۴/۱۱ ± ۰/۶۹	۳/۱۸ ± ۱/۳۰	۳/۲۸ ± ۱/۱۸
تولید معنای شخصی	۳/۵۹ ± ۱/۰۳	۴/۳۱ ± ۰/۶۶	۳/۳۱ ± ۱/۱۸	۳/۳۱ ± ۱/۱۷
آگاهی متعالی	۲/۸۸ ± ۱/۲۵	۳/۲۵ ± ۱/۲۱	۳/۰۴ ± ۱/۲۰	۲/۹۱ ± ۱/۲۴
بسط حالت هوشیاری	۲/۷۳ ± ۱/۲۳	۳/۸۳ ± ۰/۷۹	۲/۸۹ ± ۱/۱۷	۲/۷۵ ± ۱/۱۹

اطلاعات در جدول به صورت میانگین ± انحراف معیار آمده است

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
تفکر وجودی انتقادی	۱۲/۶۵	۲	۶/۳۲	۶/۸۲	۰/۰۰۲	۰/۱۹	۰/۹۰
تولید معنای شخصی	۱۳/۴۹	۲	۶/۷۴	۷/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۲۰	۰/۹۳
آگاهی متعالی	۲/۱۴	۲	۱/۰۷	۰/۶۷	۰/۵۱۱	۰/۰۲	۰/۱۵
بسط حالت هوشیاری	۳/۷۰	۲	۱/۸۵	۰/۸۴	۰/۴۷۲	۰/۰۳	۰/۲۲

بحث

به اعتقاد برخی محققین تحلیل رفتار متقابل، یکی از مؤثرترین نظریه‌های روان شناختی است که با کمک به حل مشکلات موجود در روابط انسانی به روند رو به رشد شادمانی در افراد کمک می‌کند [۲۰]. تغییر نحوه نگرستن به زندگی، با در نظر گرفتن ابعاد وجودی خود و دیگران موجبات دستیابی به زندگی با کیفیت‌تر شده و در نهایت به کشف راه جدیدی از زندگی سرشار از شادی و نشاط منجر می‌شود [۲۱]. تحلیل رفتار متقابل می‌تواند یکی از راه‌های مناسب برای مراقبت از روان و راهی مؤثر برای ارتقاء شادی و شادکامی در زندگی افراد متأهل باشد [۱۵]. Mei طی بررسی‌های خود مبنی بر رابطه بین آموزش تحلیل رفتار متقابل و میزان شادکامی ایجاد شده در دانشجویان، به این نتیجه دست یافت که آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش میزان شادکامی در دانشجویان می‌شود [۲۲]. همچنین مطالعات Andromico نشان داد که آموزش تحلیل رفتار متقابل تأثیرات مثبتی در زندگی زناشویی زوجین به ایجاد می‌کند و موجبات خشنودی و رضایت از زندگی آنان را فراهم می‌سازد [۲۳].

Shulnik طی پژوهشی با هدف بررسی تأثیر نظریه تحلیل رفتار متقابل و اندازه‌گیری شادکامی بین زوجین دریافت که پس از آموزش گروهی این رویکرد به زنان و مردان متأهل و اندازه‌گیری شادکامی آنها قبل و بعد از آموزش، تفاوت معنی‌دار آماری وجود داشته، لذت‌مندی و خودکفایی آنها در ارتباط با یکدیگر افزایش می‌یابد [۱۸]. در نهایت یافته‌های Copeland و Borman هم مبنی بر سنجش تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر دانشجویان نشان داد که این روش باعث بهبود عوامل مرتبط با شادکامی در آنها می‌شود. این آموزش باعث شد که دانشجویان لذت، کنترل و کارآمدی بهتری را نسبت به قبل از آموزش نشان دهند [۲۴].

هوش معنوی منجر به کامل شدن قسمت‌های میان فردی و درون فردی برای پیشه گرفتن از فاصله بین خویش و دیگران شده و به طرق مختلف افزایش می‌یابد. همچنین هوش معنوی گفتگوی بین عقل و احساس را آسان می‌کند [۳]. هوش معنوی در مورد علم مدیریت خود و مسئولیت در مقابل خویش است. همچنین به توانایی تشخیص چیزهایی که می‌توانیم انجام دهیم یا راه‌هایی که می‌توان مشکلات را از طریق آن حل کرد، می‌پردازد [۵].

King هوش معنوی را به عنوان یک خود آگاهی عمیق

هدف اصلی پژوهش حاضر ارزیابی تأثیر آموزش با استفاده از رویکرد تحلیل ارتباط متقابل به صورت گروهی بر افزایش هوش معنوی زوجین بود. نتایج پژوهش نشان داد که هوش معنوی زوجینی که تحت آموزش تحلیل رفتار متقابل به صورت گروهی قرار گرفته‌اند در مرحله پس آزمون افزایش یافت. این یافته با نتایج تحقیق Hansson & Lundblad مبنی بر اینکه آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به زوجینی که در تعاملات زناشویی مشکل داشتند، باعث بهبود روابط زناشویی زوجین و کاهش تعارضات و افزایش سلامت روان در آنها می‌گردد، همسو بود [۱۲]. همچنین با یافته‌های Murakami و همکاران [۱۵] و جوادی و همکاران [۱۷] همخوانی داشت.

علی پور و همکاران نیز طی مطالعه‌ای گزارش کردند که آموزش تحلیل رفتار متقابل اثر مثبت در هوش هیجانی در دانشجویان دارد. همچنین این آموزش ۷ عامل از هوش هیجانی (شادی، تحمل استرس، خود آگاهی احساسی، تست واقعیت، کنترل تکانه، انعطاف پذیری و ابراز وجود) را تحت تأثیر قرار داد. ولی آموزش تحلیل رفتار متقابل در این تحقیق بر روی ۸ خرده مقیاس دیگر هوش هیجانی تأثیر معنی‌داری نداشت [۱۰]. نتایج مطالعه Jaysowal نیز نشان داد که بین تحلیل رفتار متقابل و حالات نفسانی در کارکنان بانکی و سبک مدیریت تعارض آنها ارتباط وجود دارد. همچنین طبق یافته‌های مطالعه مذکور کارکنان در حالت نفسانی کودک از سبک رقابت و پیروزی، در حالت بالغ از سبک انطباق یافته و در حالت نفسانی والد از سبک «برد- باخت» به عنوان سبک مدیریت تعارض خود استفاده می‌کنند [۱۸].

در تبیین یافته‌ها باید اذعان داشت که تحلیل رفتار متقابل با آموزش چگونگی تحلیل روابط به خصوص انواع روابط مکمل، متقاطع و نهفته، افراد را با نحوه برقراری ارتباط مؤثر آشنا می‌کند. به عبارتی افراد را به مهارت‌های ارتباطی مناسب مجهز می‌کند تا با تشخیص حالات من خود و دیگران به ویژه با توجه به سرنخ‌های کلامی و غیر کلامی، بتوانند ارتباط مناسب مکملی را برقرار کنند. به علاوه در این شیوه درمانی با آموزش تکنیک‌های پس راندن والد طرف مقابل، فرد را قادر می‌کند در موقعیت‌های احتمالی تعارض‌زا با نظارت بالغ خود، اداره کرده و شرایط را برای برقراری روابط سازنده فراهم کند [۱۹].

است، لذا آموزش و رشد آن باعث بهبود رفتار اجتماعی، احترام به عواطف و احساسات و رعایت حقوق دیگران می‌شود. به هر میزان که شخص در زندگی خود و چگونگی انجام کارها، رضایت خداوند را به عنوان ملاک خود قرار داده و کارها و اعمال خود را بر اساس دانش، آگاهی و شناخت انجام دهد و با استفاده از توانایی تفکر نقاد خویش، بعد از بررسی کامل یک سری حقایق را بپذیرد می‌تواند اعمال هنجارمندتری از خود بروز دهد. از طرفی فرد با افزایش هوش معنوی می‌تواند در مقابل رفتار نادرست دیگران صبر و بردباری داشته و یک خود بازبینی نسبت به کارهای روزانه خود در پایان روز انجام داده و تجربه های نادرست را کنار بگذارد.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد بوده و بدین وسیله از شرکت کنندگان و اساتید محترم تقدیر می‌گردد.

REFERENCES

- Hajian A, Sheikhol-Eslami M, Homaie R, Rahimi FAY, M. [The relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence]. *Behav Sci Stud*. 2012;10(6):500-8.
- Narayanasamy A, Owens J. A critical incident study of nurses' responses to the spiritual needs of their patients. *J Adv Nurs*. 2001;33(4):446-55. PMID: 11251732
- Zohar D, Marshall L. *Spiritual Intelligenence: The ultimate intelligence*. NY, USA: Bloomsbury; 2001.
- Smith S. Exploring the Interaction of Trauma and Spirituality. *Traumatology*. 2004;10(4):231-43. DOI: 10.1177/153476560401000403
- Vaughan F. What is Spiritual Intelligence? *J Humanistic Psychol*. 2002;42(2):16-33. DOI: 10.1177/0022167802422003
- King DB. *Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure*: ProQuest; 2008.
- McSherry W, Draper P, Kendrick D. The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care. *Int J Nurs Stud*. 2002;39(7):723-34. PMID: 12231029
- Elkins M, Cavendish R. Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holist Nurs Pract*. 2004;18(4):179-84; quiz 85-6. PMID: 15346712
- McGuire MB. Health and Spirituality as Contemporary Concerns. *Annals American Acad Politic Soc Sci*. 1993;527(1):144-54. DOI: 10.1177/0002716293527001011
- Ali Pour A, Agha Yousefi A, Adab Doost Z. [The effect of transactional teaching on female students' emotional intelligence at Tehran University]. *Psychol Stud*. 2009;1(2):49-59.
- Salamat M, Zamani A, Allahiari T. [The effect of teaching communication skills through transactional analysis method on the marital discrepancy]. *Applied Psychol*. 2008;1(3):29-42.
- Lundblad AM, Hansson K. Couples therapy :effectiveness of treatment and long-term follow-up. *J Famil Therap*. 2006;28(2):136-52. DOI: 10.1111/j.1467-6427.2006.00343.x
- Sadeghi M, Ahmadi SA, Bahrami F, E'temadi A, PourSaied SR. [The

توصیف می‌کند که فرد به طور روز افزونی درباره ابعاد بدنی، روحی و روانی آگاهی پیدا می‌کند. آموزش تحلیل رفتار متقابل باعث افزایش خود آگاهی و در نتیجه افزایش هوش معنوی می‌گردد (۶). همان طور که در بعضی منابع ذکر شده، هوش معنوی را می‌توان با تمرین‌های مختلف توجه، تغییر هیجان‌ها و تقویت کردن رفتارهای اخلاقی افزایش داد. در این فرایند فرد می‌تواند با تمرین‌های مختلف توجه، تقویت رفتارهای بالغانه و با کمک سایر آموزش‌ها هوش معنوی خود را افزایش دهد و بر محدودیت‌ها و ناتوانی‌های فکری خود فائق آید. این پژوهش با محدودیت‌هایی همچون محدود بودن نمونه پژوهش به یک شهر خاص و عدم بهره‌مندی از شیوه نمونه‌گیری تصادفی و کم بودن تعداد نمونه پژوهش مواجه بود.

نتیجه‌گیری

تقویت هوش معنوی همانا اطاعت پذیری بیشتر از خداوند

- effect of teaching through transactional analysis on the couples' love-making styles]. *Sci Res J Behav*. 2013;2(5):71-84.
- Morris GL. Altered states: Using Transactional Analysis Education to prevent conflict escalation and violence. *Dissertation Abstracts Int Section A: Humanities and Social Sciences*. 2006;67(1):520-69.
 - Murakami M, Matsuno T, Koike K, Ebana SH, Hanaoka K, Katsura T, editors. *ransactional analysis and happiness promotion in life, Psychosomatic Medicine*. 18th World Congress on Psychosomatic Medicine; 2009; Kobe, Japan.
 - Hosein Chari M, Zakeri HM. [The effect of university majors, religious and artistic sciences on the spiritual intelligence; an attempt to validation and reliability measurement of the scale of spiritual intelligence]. *Period Edu Measur*. 2010;1(1):71-92.
 - Javadi B, Hoseinian S, Shafi' Abadi A. [The effectiveness of conversational communication analysis teaching to the mothers on the improvement of their family performance]. *Period Famil Stud*. 2009;5(20):17-503.
 - Shulnik S. Transactional Analysis group therapy on happiness. *Inter J of Trans Analys Res*. 2012;2(1):115-46.
 - Torkan H, Kalantari M, Mowlavi H. [Investigating the effectiveness of group therapy through exchange analysis on the marital satisfaction]. *Famil Stud*. 2006;2(8):383-403.
 - Allame F, Aghaie A, Atash Pour SH, Moshtaghi M. [The effect of group therapy of transactional analysis on married men's happiness referring to consultation and cultural centers]. *Sci Res J Behav*. 2014;1(6):25-38.
 - Boholst FA. Effects of transactional analysis group therapy on ego states and ego state perception. *Transactional Analysis J*. 2003;33(3):254-61.
 - Mei Y. The Relationship between Teaching Transactional Analysis Theory and College Students' Locus of Control: an Empirical Research. *Inter J of Trans Analys Res*. 2010;1(1):412-53.
 - Andromico MP. The chronological elevator, Aredecision model for both the TA therapist,western institute for group & family therapy. *J of Famil Psychol*. 1985;32(4):731-802.
 - Copeland P, Borman CA. The Effects of Transactional Analysis Training on Students. *Trans Analys J*. 2012;14(4):121-34.

Teaching Transactional Analysis and Couples' Spiritual Intelligence in Isfahan, Iran

Fahimeh Ardeshiri-Lordejani (MSc)^{1,*}, Taebeh Sharifi (PhD)¹,
Mohammad Ghasemi-Pirbloti (PhD)¹

¹ Department of Psychology, Islamic Azad University, Shorekord Branch, Sharekord, Iran.

* Corresponding author: Fahimeh Ardeshiri-Lordejani, Department of Psychology, Islamic Azad University, Shorekord Branch, Sharekord, Iran. Tel: +98-9133578310, Email: ardeshiri2020@gmail.com

DOI: 10.20286/jech-02035

Received: 18.10.2015

Accepted: 21.12.2015

Keywords:

Family Characteristics
Behavior
Analysis
Intelligence

How to Cite this Article:

Ardeshiri-Lordejani F, Sharifi T, Ghasemi-Pirbloti M. Teaching Transactional Analysis and Couples' Spiritual Intelligence in Isfahan, Iran. *J Educ Community Health*. 2016;2(3):36-42. DOI: 10.20286/jech-02035

© 2015 Journal of Education and Community Health

Abstract

Background and Objectives: One of the types of intelligences to which attention has been paid is the spiritual intelligence, which causes the person to find deep insight against life events and accidents and not be afraid of life difficulties and challenges. Therefore, the objective of the present study was to determine the effectiveness of group teaching via reciprocal behavior analysis on the increase of the couples' spiritual intelligence in the city of Isfahan, Iran.

Materials and Methods: The research method of the present study was semi-experimental in pretest posttest and with control group type due to lack of probable sampling. The statistical population of the current study included couples referred to dispute resolution councils in the city of Isfahan. The statistical sample included 32 couples selected through improbable available sampling method and put into experimental and control groups. Then, the experimental group received teaching interventions related to reciprocal behavior analysis in 10 teaching sessions, while the control group did not receive such teaching interventions. The applied instrument in this study was King's spiritual intelligence questionnaire. The collected data were analyzed via covariance analysis in SPSS 10 software.

Results: The results of multi-variable analysis showed that reciprocal relationship teaching could significantly increase the components of critical existential thinking and produce personal meaning in the experimental group compared to the control group at the posttest stage ($P < 0.001$).

Conclusions: According to the findings of this study, group consultation through reciprocal analysis is a suitable method to increase couples' spiritual intelligence and finally the increase of their satisfaction, which can improve couples' spiritual quality through teaching it.